

اهمیت مبانی فرهنگی در طراحی الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت

حسن رحیمی (روشن)^{*۱}

سیده فاطمه حسینی^۲

چکیده

هدف: پیشرفت و توسعه مفهوم چندگانه و پیچیده‌ای است که عوامل متعدد و متنوعی در سطوح گوناگون بر تحقق و گسترش آن تأثیرگذار است. از میان این عوامل، عامل فرهنگی را می‌بایست به‌عنوان متغیر نسبتاً مغفول و پنهان و البته تعیین‌کننده قلمداد کرد که به‌مثابه موتور محرکه اصلی در پیشبرد توسعه و پیشرفت عمل می‌کند. هدف این مقاله بررسی تأثیر فرهنگ بر گفتمان‌های پیشرفت و توسعه و نوعی الگوگیری برای ایران است. **روش‌شناسی پژوهش:** این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی و با ابزار اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه شده است. **یافته‌ها:** در پی یافتن پاسخ پرسش اصلی مقاله پیش رو است که چه مؤلفه‌هایی در بطن فرهنگ و اجتماع ژاپن وجود دارد که زمینه پیشرفت اقتصادی جهشی و شتابان این کشور را فراهم آورده است؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند حاوی دلالت‌هایی فرهنگی - مذهبی برای الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت باشد؟ فرضیه اصلی این نوشتار آن است که عامل اولیه اصلی در پیشرفت صنعتی و رشد شتابان اقتصادی در ژاپن در سده گذشته حاصل تأثیرپذیری از روایت‌های مذهبی و فرهنگی آنها از مقولات مرتبط با پیشرفت و توسعه است. **نتیجه‌گیری:** از این رو با الهام از این واقعیت تاریخی، لازمه ایجاد و تثبیت گفتمان ترقی و توسعه در ایران فارغ از تغییرات سیاسی در سطح دولتی، شکل‌گیری نوعی تحول اساسی در رویکردهای فرهنگی - مذهبی ایرانیان نسبت به مفهوم پیشرفت خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: مذهب، فرهنگ توسعه، پیشرفت صنعتی - اقتصادی، اخلاق کار، ژاپن، ایران

Email: hr.rahimiroushan@baso.ac.ir

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بوعلی‌سینا همدان
(نویسنده مسئول)

Email: f.hos2020@gmail.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام،
دانشگاه بوعلی سینا همدان

مقدمه

شاید زمانی که سال‌ها پیش کتاب معروف ماکس وبر تحت عنوان «اخلاق پروتستانیسم و روح سرمایه‌داری» درباره نقش قرائت پروتستانیسم در تکوین سرمایه‌داری مدرن منتشر می‌شد، کسی تصور نمی‌کرد که انگاره‌های مذهبی مدنظر وی تا چه میزان می‌تواند به‌عنوان موتور محرکه اقتصاد و صنعت جامعه به ایفای نقش بپردازد. به‌طور معمول و مرسوم، مطالعات اقتصاد سیاسی به‌طور عام و اقتصاد سیاسی توسعه به‌طور خاص بر رابطه دیالکتیکی دولت - بازار - سیاست - اقتصاد، است که گاه با تأکید بر اصالت و تعیین‌کنندگی دولت و گاه با تأکید بر اصالت بازار و اقتصاد است. بدین‌سان بستر و زمینه فرهنگی-اعتقادی که می‌تواند به‌عنوان «متغیر پنهانی»^۱ در تعیین مسیر توسعه اقتصادی از نقش تعیین‌کنندگی بالایی برخوردار باشد، معمولاً در این مطالعات مغفول مانده است. بر اساس این ملاک توسعه اقتصادی می‌تواند به‌مثابه نتیجه و برآیند اعتقادات مذهبی، فرهنگ عمومی و فرهنگ سیاسی یک جامعه تلقی گردد. بر این اساس، از میان دو دیدگاه عمده‌ای که یکی فرهنگ را نتیجه توسعه و دیگری، توسعه را نتیجه فرهنگ می‌داند، این مقاله بر قسم دوم تأکید و تصریح دارد و معتقد است هرگونه مدلی از توسعه اعم از توسعه اقتصادی-صنعتی و سیاسی در چارچوب و در بستر گزاره‌های فرهنگی یک جامعه و ملت صورت‌بندی شده و توسط مدیران و مردم آن جامعه جدی انگاشته می‌شود. در این رویکرد، فرهنگ و انگاره‌های فرهنگی-اجتماعی به‌مثابه پیش‌نیازهای اساسی و نادیدنی مؤثر بر توسعه تلقی می‌شود. انگاره‌های مزبور با استمداد از ادبیات و بر در کتاب «اخلاق پروتستانیسم و روح سرمایه‌داری» شامل عناصری از قبیل توجه به رسالت کار، دخالت عقل، مکروه ندانستن گردآوری ثروت، امساک و صرفه‌جویی، داشتن روحیه خلاق و ... است. این مقاله بر آن است تا با تمرکز بر برخی دلالت‌های فرهنگی - مذهبی تأثیرگذار بر توسعه اقتصادی - صنعتی در کشور ژاپن را به‌عنوان زمینه‌ای برای برجسته‌سازی لزوم اصلاح برداشت‌های مذهبی و فرهنگی ایرانیان از مسئله کار و پیشرفت به‌عنوان یک عامل بنیادین در توسعه موفق اقتصادی مورد تأکید قرار دهد.

تئوری فرهنگی عامل کلیدی پیشرفت و رشد اقتصادی ملتها را مقوله فرهنگ (به معنای عام شامل ارزش‌ها و باورهای بومی و مذهبی) می‌داند. مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی هر ملتی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر رفتارهای سیاسی و اقتصادی مردم و حاکمان آن جامعه تأثیر گذاشته و می‌تواند سهمی تعیین‌کننده در پسرفت و یا پیشرفت کشورها داشته باشد ... «دیوید لاندز» در کتاب خود «ثروت و فقر در میان ملتها» نتیجه می‌گیرد که موفقیت اقتصادهای ملی بیش از هر چیز محصول عوامل فرهنگی است. به نظر وی، سخت‌کوشی، پس‌انداز، صرفه‌جویی، سرسختی، صداقت، امانت‌داری و میان‌رویی، عوامل فرهنگی‌ای هستند که باعث به‌وجود آمدن تفاوت میان ملتها می‌شود که همه این موارد مورد تأکید اسلام است. دیدگاه «ماکس وبر» که معتقد است ارزش‌ها و گرایش‌های اجتماعی نقش تأثیرگذار و تعیین‌کننده‌ای در موفقیت یا شکست اقتصادها دارند، کاملاً مورد تأیید «لاندز» هست (Landes, 1999: 478-510).

1. hidden variable

در این راستا می‌توان توسعه اقتصادی و صنعتی شتابان در کشورهای آسیای جنوب شرقی خصوصاً ژاپن را طی شش دهه گذشته مدیون و مرهون عناصر مثبت فرهنگی- اجتماعی آنها، از جمله عناصر برخاسته از مذهب دانست. عناصری از قبیل تقدس کار و تولید، امساک و قناعت با هدف پس‌انداز و تولید، قانون‌گرایی و نظم، انسجام و همدلی اجتماعی، اعتقاد به خرد جمعی و اجماع فکری، تحول‌گرایی به جای رکود، آینده‌نگری به جای افتخار به گذشته، اعتماد عمومی به نظام سیاسی حاکم و در نقطه مقابل فقدان این عناصر مثبت فرهنگی می‌تواند به‌مثابه موانعی فرهنگی- اجتماعی در طی موفقیت‌آمیز مسیر توسعه اقتصادی قلمداد گردد. به‌طور خلاصه، بررسی تأثیر فرهنگ و نهادهای اجتماعی در توسعه اقتصادی، از چند جنبه مهم است: اولاً، توسعه اقتصادی در نتیجه فعالیت اقتصادی افراد حاصل می‌شود. ثانیاً فرهنگ و عوامل اجتماعی در تحریک مردم به کار و فعالیت، نفوذ و تأثیر عمیقی دارد. ثالثاً، نهادهای اجتماعی، تجربیات شخصی و اصول فلسفی که همه تابع فرهنگ و مذهب است، در تشکیل شخصیت و چگونگی رفتار افراد و طرز اداره بنگاه‌های تولیدی مؤثر است (اقتداری، ۱۹۸۵: ۸۱-۸۰).

پیشینه و ادبیات موضوع

بحث رابطه میان فرهنگ و توسعه اقتصادی عمدتاً در ادبیات پژوهشی موجود در قالب و کالبد نسبت دین و توسعه اقتصادی، بحث مطرح می‌شود و از این رو بحث کاملاً جدید و بی‌سابقه‌ای به‌شمار نمی‌رود؛ اما توجه به‌ضرورت و اهمیت آن به‌عنوان موتور محرکه می‌تواند موضوعی جدید و متناسب با شرایط توسعه در بسیاری از کشورهای جهان سوم و از جمله ایران باشد. از توماس آکوئیناس در قرن سیزدهم گرفته که تفصیلاً به موضوع نسبت‌سنجی میان دین و مالیه عمومی علاقه‌مند بود تا آدام اسمیت که در کتاب نام‌آشنای ثروت ملل بر نقش باورهای اخلاقی اعتقاد به خدا و ارزش‌های انسانی در پیشرفت زندگی اقتصادی تأکید می‌کرد تا اریک فروم که با تقسیم‌بندی خاص خود از مذهب، قرائت عمل‌گرایانه از مذهب را عامل پیوند رستگاری و کار ارزیابی می‌کرد (ستاری فرد، ۱۹۸۵: ۲۳۱). می‌توان این برداشت را معتبر دانست که ایجاد رابطه‌ای معنادار میان فرهنگ و مذهب در یک‌طرف و توسعه و پیشرفت، قدمت و پیشینه‌ای سترگ پژوهشی داشته است. تأثیر این باورهای دینی در سطح یک اجتماع، به تقویت همدلی و انسجام میان افراد کمک می‌کند و نهایتاً برآیند آثار این باورها را می‌توان در کاهش ابهام در فعالیت‌های اقتصادی و ارتقای کارآمدی مشاهده کرد (میرترابی، ۲۰۱۱: ۴۳-۴۴).

ادبیات تولیدشده در خصوص ارتباط فرهنگ با اقتصادهای آسیای شرقی نیز آن‌گونه که «لی» می‌گوید به دلیل فاکتورها و دلایل فرهنگی، رشد بسیار سریع‌تری نسبت به سایر اقتصادها داشته‌اند. وی هرچند به نقش استعمار و توزیع نابرابر ثروت به‌عنوان موانع پیشرفت در آمریکای لاتین و آفریقا ادعان می‌دارد، اما معتقد است این نباید باعث شود که ما از نقش تأثیرگذار فرهنگ غافل شویم. همچنین تمایل به برقراری ارتباط معنادار میان مذهب «توکواوا» و توسعه اقتصادی ژاپن... در آثار برخی نویسندگان غربی از قبیل رابرت بلاه نیز قابل رصد و پیگیری است. بلاه در پژوهش‌های خود به بررسی این موضوع پرداخته که چه

نقشی می‌توان برای تأثیر مذهب «توکوگاوا» در توسعه اقتصادی سریع ژاپن تصور و ترسیم نمود؟ (رجب‌زاده، ۱۹۹۹: ۶۱) نکته جالب در مورد تحقیقات بلاه آن است که وی کوشیده است به‌نوعی شبیه‌سازی میان طبقه نظامیان ژاپن (سامورایی‌ها) و پروتستان‌ها در اروپا دست یازد (بنیانیان، ۲۰۰۷: ۴۰). بلاه در نتیجه‌گیری مطالعاتی خود قوانین اخلاقی سامورایی و همچنین کلیت نظام اخلاقی و ارزشی حاکم بر جامعه ژاپن را متأثر از دوران توکوگاوا و آموزه‌های این دوره در مواردی از جمله: زهدگرایی، احترام به دانش و دانش‌آموزی و یادگیری، پشتکار، نظم، صرفه‌جویی، بسنده‌جویی، دوری از اسراف، وظیفه‌شناسی، احساس تعهد اجتماعی و شغلی و ... می‌داند (همان).

آثار تولید شده در خصوص رابطه بین فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی، ما را به ادبیات تحقیقاتی ذیل می‌رساند: موسایی (۲۰۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «اسلام و فرهنگ توسعه اقتصادی» به بررسی رابطه بین فرهنگ و توسعه اقتصادی پرداخته و درصدد اثبات این موضوع است که آیا فرهنگ اسلام با توسعه در تعارض است یا خیر؟ سالارزهی و هاشمی (۲۰۰۸) در مقاله «نقش ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی در ترویج کارآفرینی و ایجاد توسعه» به دنبال اثبات این موضوع هستند که آیا ارزش‌ها و فرهنگ اسلام با کارآفرینی سازگار است؟ غفاری و کریمی (۲۰۰۸) در مقاله «هویت دینی و آموزه‌های اخلاقی اسلام و تأثیر آن بر رفتارهای اقتصادی در فرایند توسعه» کوشیده‌اند به‌طور اجمال نقش فرهنگ ناب اسلامی را در مبارزه با توسعه‌نیافتگی بررسی کنند. یوسفی‌نژاد (۲۰۰۱) در مقاله فرهنگ، توسعه و دین (الزامات و ضرورت‌ها ... به اثبات این فرضیه می‌پردازد که هرگونه الگوی توسعه‌ای در ایران با توجه به بافت مذهبی آن، باید با توجه به الزام‌های دینی طراحی و تدوین شود. ساعی و حیدری (۲۰۰۰) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «ضعف فرهنگ اقتصادی و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌نیافته (با تأکید بر ایران)» به این نتیجه رسیده‌اند که اگر ایران خواهان فرهنگ اقتصادی و فرهنگ صنعتی است، باید زندگی افراد بر اساس و محور فعالیت، روحیه انضباط، سخت‌کوشی، کار و کوشش دسته‌جمعی، صرفه‌جویی و آینده‌نگری باشد.

با نگاهی به مطالعه‌های انجام‌شده که پیش از این به تعدادی از آنها اشاره شده در می‌یابیم که همگی نقش غیرقابل انکاری برای فرهنگ و مذهب به‌عنوان موتور پیشران پیشرفت و توسعه قائل هستند. با این وجود، نوآوری مقاله پیش‌رو آن است که دلالت‌های جهادی و فرهنگی - مذهبی توسعه و پیشرفت فرهنگ محور ژاپن را برای کاربردی یک الگوی فرهنگ محور پیشرفت و توسعه در ایران در مرکز توجه خود قرار داده است.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این مقاله مبتنی بر نظریه و روش تفهیمی ماکس وبر در مطالعات جامعه‌شناختی است. در نظرگاه ماکس وبر، همه رفتارها و «کنش‌های اجتماعی»^۱ دارای معانی ذهنی‌ای هستند که انسان‌های

1. social action

کنشگر به کنش‌هایشان نسبت می‌دهند به اعتقاد وبر، کنش در صورتی اجتماعی است که به‌صرف معنای ذهنی که فرد یا افراد کنشگر به آن نسبت می‌دهند، رفتار دیگران را به‌حساب آورده و بر اساس آن جهت‌گیری شود (کرایب، ۲۰۰۶: ۹۲). بنابراین، جامعه‌شناسی از نظر وبر، علم تفسیر کنش اجتماعی معناداری است که افراد به‌مثابه کنشگران اجتماعی به آن معنا می‌بخشند (همان: ۹۴) و از این‌رو باید به تفهیم یعنی خوانش ذهن کنشگران نسبت به پدیده‌های اجتماعی دست زد. به‌عبارت‌دیگر، کنش‌های اجتماعی توأم با تفهیم و تفسیر است. چارچوب فکری این نوشتار آن است که باید با روش تفهیمی دست به فهم معانی و تصوراتی زد که کارگزاران اجتماعی ... به مقولاتی از قبیل «قداست کار»، «مسئولیت‌پذیری»، «جایگاه تولید و مصرف»، «تحول‌پذیری»، «کار جمعی» و ... می‌دهند. به این ترتیب نقطه عزیمت هر گونه توسعه و تلاش برای پیشرفت اقتصادی منوط ... به معنایی است که یک جامعه به مقولات مزبور می‌دهد. در واقع معنابخشی ذهنی و اجتماعی به کار، انگیزه تولید و پیشرفت، نوع مصرف و ... در یک جامعه مقدم و مرجح بر هرگونه توسعه اقتصادی و طراحی الگوهای متناسب پیشرفت و ترقی در آن جامعه است. به‌طور خلاصه، وبر بر باورهای دینی به لحاظ نوع جامعه‌شناسی تفسیری تأکید نموده است، زیرا کنش اجتماعی از نظر او کنشی توأم با تفهیم و تفسیر است ... کنشگر بایستی از آنچه انجام می‌دهد درک و فهم داشته باشد ... وبر به حیثه دین و باورهای دینی، ... توجه کرده و به تمییز بین روحيات و باورهای دینی پروتستان (با توجه به اختلاف و تنوع تلقی‌های انواع فرق آن) و کاتولیک‌ها می‌برده است.

اهمیت مبانی فرهنگی - مذهبی در پیشرفت ژاپن

خاستگاه‌های فکری - فرهنگی مولد پیشرفت و توسعه در ژاپن حاصل تأکید آگاهانه ژاپنی‌ها بر حفظ فرهنگ اصیل خود منبعت از آیین شینتو و در عین حال گزینش هوشمندانه آموزه‌های سازنده و توسعه‌بخش مکاتب دیگر است. آموزه‌ها و ارزش‌های مزبور، نوعی خصوصیات فرهنگی را برای ژاپنی‌ها رقم‌زده است که می‌توان از آن به فرهنگ (بینش و منش) ژاپنی یاد کرد.

برخی از عناصر فرهنگ ژاپنی مولد اقتصاد پویا و تولید ثروت عبارت‌اند از: الگوی مصرفی ساده؛ گرایش جدی به پس‌انداز با هدف تولید و نهایتاً بازتولید ثروت ملی؛ وجدان کاری فراوان؛ جامعه منسجم مبتنی بر گروه‌گرایی قوی، ملی‌گرایی و بومی‌گرایی به‌مثابه یک ارزش بنیادین در مقابل اجنبی در عین استفاده از تجارب فنی و مهارت دانشی دنیا و در این میان آیین‌های کنفوسیوس (برخلاف کارکرد آن در میان چینی‌ها) و آیین شینتو به‌عنوان مذهب تأثیرگذار ملت ژاپن نقش غیرقابل‌انکاری در مسیر توسعه موفق اقتصادی آنها داشته‌اند. مجموعه روایت‌های اصلاح‌یافته از کنفوسیوس در برداشت فرهنگ ژاپنی را می‌توان در مواردی از قبیل: عقل‌گرایی؛ لزوم رهایی از خرافات و جمود فکری؛ خلاقیت و سازندگی لازم؛ مذمت خودپسندی و لزوم دگرخواهی و هم‌نوع دوستی؛ لزوم جبران نعمت‌های خدا با تلاش و کوشش خلاصه کرد (حقیقی، ۲۰۰۵: ۳۲۹-۳۲۸). بررسی تأثیر فرهنگ و نهادهای اجتماعی در توسعه اقتصادی ژاپن می‌تواند، از دو جنبه مهم باشد:

اولاً، فرهنگ و عوامل اجتماعی در تحریک مردم به کار و فعالیت، نفوذ و تأثیر عمیقی دارد؛ چرا که فرهنگ شرقی موفقیت‌های اقتصادی را به بهای قربانی شدن روابط انسانی نمی‌خواهد و این دقیقاً نقطه مقابل فرهنگ غربی است که سودمحوری صرف، مدنظر قرار داده است، حال آن‌که دغدغه فرهنگ شرقی، مردم است و فرهنگ مردم را در رأس اولویت‌های خود قرار می‌دهد. در واقع، نگرانی نسبت به روابط انسانی، اصلی محوری در فلسفه کنفوسیوسی است و این مسئله در مفهوم «جن»^۱ که به خیرخواهی و انسان‌دوستی ترجمه شده است، تجلی می‌یابد. ثانیاً، نهادهای اجتماعی، تجربیات شخصی و اصول فلسفی که همه تابع فرهنگ و مذهب است، در تشکیل شخصیت و چگونگی رفتار افراد و طرز اداره بنگاه‌های تولیدی مؤثر است (اقتداری، ۱۹۶۴: ۸۱-۸۰). بنابراین، فرهنگ هم می‌تواند عامل توسعه باشد و هم مانع توسعه تا ... اندیشه و انگیزه روانی عمیق لازم در مسیر توسعه اقتصادی هم در میان نیروهای تولید و هم مدیران اقتصادی و سیاسی یک جامعه حاکم نباشد، الگوها و مدل‌های نوسازی و مدرنیزاسیون در حد دستورالعمل‌های کاغذی باقی خواهند ماند. بر این اساس، پیش و منش اقتصادی کشوری مانند ژاپن در نقطه مقابل بسیاری کشورهای جهان سومی صادرکننده مواد خام، خصوصاً نفت، قرار می‌گیرد که الگوی برتر اقتصادی آنها خام فروشی و حتی رقابت بر سر فروش سرمایه‌های ملی آنها به جای طراحی و اجرای الگوهای بومی تولید و انباشت ثروت ملی است. در واقع کشور ژاپن تجربه مشابه دوره رنسانس اروپا را یک قرن پیش، یعنی در اواخر قرن نوزدهم پشت سر گذاشته است و از این‌رو، تنها کشور غیرغربی و غیرمارکسیستی بوده است که توانسته به پیشرفت‌های علمی و صنعتی بزرگی نائل شود. ژاپن در دوران سلطنت امپراتور موتسوهیتو (۱۸۶۷-۱۹۰۱). شاهد تحولات فکری نظیر کالوین‌گرایی در اروپا بوده است. پس از این انقلاب فکری و البته زمینه‌سازی‌ها و آماده‌سازی‌های قبلی که در دوره سلسله توکوگاوا (۱۸۶۷-۱۶۰۳) رخ داد، ژاپن به‌مثابه یک کشور سنتی آسیایی موفق شد با شتاب در مسیر رشد و توسعه اقتصادی گام بردارد و خود را به‌عنوان یکی از کشورهای صنعتی پیشرفته مطرح نماید.

برخی دلالت‌های فرهنگی - مذهبی ژاپن در طراحی الگوی پیشرفت فرهنگ کار و مسئولیت‌پذیری

از نظر بیشتر مردم ژاپن، کار و پذیرش مسئولیت‌ها و انجام آنها، مهم‌تر از هر چیزی است و فرار از کار و مسئولیت، ننگ تلقی می‌شود (مدنی، ۲۰۰۴: ۴۵). چراکه تلاش و کوشش در فرهنگ ژاپن و تأکید نظام تربیتی آن بر تلاش و پشتکار است. ژاپنی‌ها باور دارند که عنصر وجدان کاری و پشتکار در رفتار کودکان و جوانان ژاپنی راز موفقیت اقتصادی آنهاست ... در جامعه ژاپن، با «کار» هویت فرد مشخص می‌شود و کسی که بی‌کار است گویی هویت ندارد. در مورد ریشه این فرهنگ، برخی آن را مرتبط با دشواری‌های پس از جنگ و ... فقدان هر نوع ذخایر طبیعی می‌دانند که باعث شد برای زنده ماندن و نیز اعاده اقتدار و غرور

ملی ... کار الگو و شعار جامعه قرار گیرد، چنان که اصطلاح «اگر کار نکنیم خواهیم مرد» جمله رایجی در ژاپن بوده است. به عنوان مثال، یک کارمند دولتی در ژاپن به طور میانگین روزانه ده ساعت و بیست و هشت دقیقه کار می کند و در سال بین هفده تا نوزده روز تعطیلی جشن های ملی؛ چهار، پنج روز تعطیلات سال نو و ۳ تا ۴ روز مرخصی در تابستان) تعطیلی دارد که این آمار استثنایی، ژاپن را ... به عنوان کشوری پرکار و دارای فرهنگ کار قوی ترسیم و تصویر نموده است (سوته، ۱۹۹۰: ۳۴).

فرهنگ کار در جامعه ژاپن به قدری قوی و محرک است که برخی تحلیلگران معتقدند که یکی از معضلات محیط و سازمان های کاری در ژاپن، مرگ ناشی از کار زیاد است. در واقع، کارگران ژاپنی، آن قدر ذاتاً به کار علاقه مند و متعهدند که گاه برای پروژه های که به دست آنان سپرده شده، آن قدر کار می کنند که ظرفیت جسمانی آنها تحمل آن همه کار را ندارد و به مرگ کارگر منجر می شود. در بیشتر کارخانه های ژاپنی کارگران عمدتاً بدون توقع برای دریافت مزد اضافه یا پاداش، چندین ساعت بیش از ساعات کاری تعریف شده کار می کنند و نهایتاً این که در ژاپن، یکی از ارزش های مسلط خانوادگی آن است که اگر: «مرد ژاپنی زودتر از ساعت ۹ شب از سرکار به خانه برگردد، بیکار و علف هرز شمرده می شود» (مؤمنی، ۱۳۹۲: ۲۲). در فرهنگ اسلامی نیز انسان به وسیله کار زندگی خود را می سازد و نقش خود را در جایگاه برجسته ترین موجود روی زمین تثبیت می کند. کار عمده ترین فعالیت زندگی انسان است که به زندگی وی معنا می دهد و زمینه رشد قوای روحی، معنوی و جسمی اش را فراهم می آورد. امام صادق (ع) می فرماید: «اگر هرچه مردم نیاز داشتند در اختیارشان قرار می گرفت، نه زندگی در کامشان گوارا بود و نه از آن لذتی می بردند» (حکیمی، ۲۰۰۵: ۲۹۳). با رجوع به آیه ها و روایت ها درمی یابیم که کار و اشتغال ضرورت دینی است و با کار و کوشش می توان رضایت خداوند را کسب کرد. قرآن کریم که در بعد نظام تکوین و تشریح ضرورت و اهمیت کار را تبیین کرده بیان می دارد: «ما انسان را در رنج آفریدیم» (و زندگی اش بر از رنج ها است (سوره بلد، آیه: ۴). از طرفی طبق قانونمندی عام عالم، حرکت و عمل و پیش آمدن دشواری برای انسان، ضروری شناخته می شود.

در روایت های امامان (ع) نیز بر کار تأکید ویژه ای شده است. حضرت علی (ع) می فرماید: «آن کس که کار کند توانش فزونی می یابد و آن کس که کم کار کند، سستی اش افزون می شود» (حکیمی، ۲۰۰۵، ج ۵: ۲۹۲). امام باقر (ع) نیز می فرماید: «کسی که در امر دنیای خود کسالت ورزد، نسبت به آخرت خویش کاهل تر است» (همان).

امام صادق (ع) می فرماید: همانا خداوند عزوجل، خوابیدن زیاد و بیکاری زیاد را دشمن می دارد (حرعاملی، ۱۹۶۷: ۳۷) بنابراین در فرهنگ آرمانی اسلام اگر دو کار درآمد یکسانی داشته باشد، آن کاری که با رنج و زحمت بیشتری به ویژه با کار یدی انجام می شود، ارزشمندتر است (محمدی ری شهری، ۲۰۰۳: ۱۹۵-۱۹۰) و در همین جهت است که پیامبر اکرم (ص) دست سعد انصاری را که به واسطه کار با ریسمان و بیل رشته رشته شده بود بوسید و فرمود که این دستی است که هرگز آتش به آن نمی رسد (همان: ۱۹۶) در فرهنگ آرمانی اسلام، آخرت و دنیای انسان را کار هدفمند می سازد. بهشت و جهنم، نتیجه اعمال خود انسان ها است و در

دنیا نیز کار مایه شرف، عزت، سربلندی، عظمت، استقلال و بقا و دوام جامعه است. بی‌تردید در صورت تحقق این فرهنگ کار و کوشش است که توسعه اقتصادی امکان بیشتری برای تحقق خواهد یافت زیرا بدون کار و کوشش و تحمل سختی‌های راه، دستیابی به توسعه اقتصادی امری ناممکن و دست‌نیافتنی خواهد بود.

کار به‌مثابه امری مقدس

الگوی کار ژاپن صرفاً برای تأمین سود نبوده است بلکه بیش و پیش از سودمحوری به تقدس کسب‌وکار می‌نگرند. این مسئله قابل‌مقایسه با موج دوم جنبش پروتستانیسم در اروپا تحت تأثیر آموزه‌های اقتصادی... کالونیسیم است. بر این اساس، کار در منظر و منظور فرهنگ ژاپن، به‌مثابه امری مقدس قلمداد شده و فعالیت تولیدی، عبادت خداوند محسوب می‌شود. از این‌روست که حتی سود ناچیز نیز، سرمایه‌داری ژاپن را از تولید و کسب‌وکار بازنمی‌دارد (حقیقی، ۲۰۰۵: ۳۲۹). بخش مهمی از رویکرد تقدس‌انگاران به «کار» در جامعه ژاپن ریشه در ارزش‌های اخلاقی نهفته در شینتوئیسم^۱ به‌عنوان مذهب بومی - ملی ژاپنی‌ها در کنار روایت ژاپنی از آیین چینی کنفوسیوس^۲ و آیین بودائیسیم^۳ هند بوده است. این تأثیر از طریق جدی انگاشتن تعالیم شینتوئیسم مبتنی بر تأکید بر کار و فعالیت از طریق وظیفه‌شناسی و اطاعت فرزندان از اولیاء و وفاداری مبتنی بر اخلاق کنفوسیوس بوده است؛ و از این‌رو نظام اجتماعی - اقتصادی ژاپنی‌ها برخلاف چین، نظامی پویا و غیرایستا بوده است (شمشی‌آوری، ۱۹۷۱: ۴۱۰-۴۰۲).

دلالت‌های تقدس‌انگاران کار در میانی فرهنگی - مذهبی ژاپن، در یک همپوشانی محتوایی با قداست کار در اسلام نیز قرار می‌گیرد. در میان ادیان الهی، اسلام ... توجه ویژه و فراوانی به کار و تلاش دارد، ... قرآن می‌فرماید: «لیس للانسان الا ما سعی: برای انسان چیزی جز حاصل کار و تلاش او نخواهد بود» (سوره النجم، آیه ۳۵) و رسول اکرم(ص) می‌فرماید: عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن طلب روزی حلال است (نوری، ۱۹۸۷: ۲۰).

علاوه بر این روایات در سیره عملی انبیبای الهی و حضرات معصومین نیز توجه به کار را می‌بینیم و بامطالع تاریخ زندگانی آنها درمی‌یابیم که همه‌ی آنها اهل کار و تلاش بودند و هزینه‌ی زندگی خود را از دسترنج خود تأمین می‌کردند. این ذخیره و انباشت غنی در فرهنگ دینی اسلامی کاملاً از توان ایجاد یک رنسانس در رویکرد ایرانیان به کار و بنیان‌گذاری الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت مبتنی بر کار مجاهدانه برخوردار است.

-
1. Shintoism
 2. Confucianism
 3. Buddhism

لزوم تحول‌پذیری و تغییرپذیری برای خروج از رخوت و رکود

انطباق‌پذیری، نو‌پذیری حیرت‌آور و سرسخت نبودن، از دیگر خصوصیات ژاپنی‌ها محسوب می‌شود آنها بارها نشان داده‌اند که اوضاع هر طور باشد به‌راحتی پذیرا می‌شوند و سعی می‌کنند به‌سرعت خود را با شرایط مخالف منطبق کنند (مدنی، پیشین).

در واقع، همان‌طور که تفسیر پروتستان‌ها از آیین مسیحیت متفاوت با کاتولیک‌ها است و همین برداشت‌های متفاوت سبب شده که تنها در کشورهای پروتستان مذهب، رنسانس و انقلاب فکری تحقق پیدا کند، تفسیر ژاپنی‌ها هم از تعلیمات کنفوسیوس با برخی هم‌آیین‌های خود مانند چینی‌ها فرق دارد و تفسیر خاص آن موجب پیشرفت ژاپن شده است؛ از نظر چینی‌ها مرحله‌نهایی جامعه، «سکون» است؛ بنابراین، آنها تغییر و تحول را ضروری نمی‌دانستند و یا در مورد آن تردید به خود راه می‌دادند و بر این باور بودند که در این دنیا کم‌تر کسی می‌تواند با تلاش به سعادت دنیوی برسد. از این‌رو نتیجه می‌گرفتند که باید وضع موجود را پذیرفت و تنها در فکر سعادت ابدی بود ... در نقطه مقابل، ژاپنی‌ها که به نظر برخی جامعه‌شناسان و مشخصاً از نظر ماکس وبر اخلاق کار و تلاش مشابه پروتستان‌ها را دارند و بیشتر اهل عمل هستند تا تفکر و اندیشه، این قسمت از تعلیمات کنفوسیوس را نادیده گرفتند. آنان این آگاهی را پیدا کرده بودند که زندگی بهتر، با کار و تلاش و کوشش و انجام کارهای جدید حاصل می‌شود. به همین جهت در این کشور برخلاف چین، تلاش و فعالیت زیاد یک ارزش بوده و مورد تقدیر قرار گرفته است؛ زیرا که افکار کنفوسیوس در ژاپن از محتوای کسل‌کننده نوع چینی آزاد شد و به‌صورت آموزه‌ای متحول‌کننده درآمد که متناسب با محیط جغرافیایی و روحیه مردم ژاپن است. فرمانروایان چینی همیشه سعی داشته‌اند از تماس فرهنگی زیاد با ملل دیگر خودداری کنند تا مردم چین تحت تأثیر و نفوذ ارزش‌ها و افکار بیگانه قرار نگیرند. برعکس در ژاپن، تعالیم کنفوسیوس تأکید و آشنایی با فرهنگ و تفکر ملل دیگر داشته و اخذ روش‌های نو از ملل دیگر را بسیار مفید و سودمند دانسته است.

با این توضیح، به‌رغم وجود عامل‌ها و ابزارهای مورد نیاز و مساعد برای توسعه از راه توسل به فرهنگ و تمدن اسلامی، در این مسیر تاکنون هیچ‌یک از کشورهای مسلمان نتوانسته‌اند با اتکا به آن به رشد و توسعه همه‌جانبه دست یابند. لازمه دستیابی به توسعه از کانال فرهنگ، پدید ساختن دگرگونی فرهنگی مطابق با ارزش‌های مورد قبول جامعه است. چراکه هر جامعه و فرهنگی هر اندازه هم که سنتی و محافظه‌کار باشد، همواره در معرض دگرگونی است زیرا تاریخ نمونه‌های فراوانی از تحول‌های عظیم و غیرقابل انکار فرهنگی را به ما نشان می‌دهد (نظرپور، ۲۰۱۰: ۱۲۰-۱۱۹) البته شکل‌گیری و تحول فرهنگ‌ها، پدیده‌ای بلندمدت است؛ اما در عین حال، مطلق و ابدی انگاری فرهنگ‌ها هرگز پذیرفتنی نیست. ابن‌خلدون اندیشه‌ور برجسته مسلمان، می‌گوید: «دگرگونی از ویژگی‌های جوامع است و میزان دگرگونی نیز در جوامع می‌تواند به‌طور چشمگیری متغیر باشد» (Laber, 1993: 25).

یکی از منابع تغییر و تحول‌ساز در فرهنگ ایرانی در مسیر طراحی و اجرای الگوی پیشرفت، دین اسلام و گزاره‌های آن است که به‌عنوان منبع تحول‌ساز در انسان و جامعه عمل می‌کند و می‌تواند منبعی مولد در

تحول‌پذیری فرهنگی و فکری در مسیر توسعه باشد و به تعبیر «دیوید مک کلند»^۱ «انگیزه پیشرفت» (و) به تعبیر خودش ویروس (N.A) (ساعی، ۲۰۱۰: ۲۹) را در میان افراد یک جامعه به‌عنوان موتور محرکه پیشرفت و ترقی ایجاد و تقویت نماید. این تحول‌خواهی هم در متن آیات قرآن کریم به‌عنوان یک منبع اساسی در طراحی تحول‌خواهی و طراحی الگوی پیشرو به سمت جلو وجود دارد؛ و هم در بطن روایات و حتی سیره ائمه(ع): به‌عنوان نمونه قرآن کریم تغییر انسان‌های یک جامعه را به‌عنوان منبع اصلی تغییر و تحول اوضاع و احوال آن جامعه به سمت جلو قلمداد می‌کند. آنچه استنباط می‌شود این است که سنت‌های تاریخی فراتر از دست انسان نیست و خداوند هرگونه تغییر مطلوبی را در زندگی انسان به دست خود او سپرده و این‌ها فرصت‌هایی هستند که انسان بتواند آزادی و انتخاب و تصمیم آزاد خود را نشان دهد. ارتباط تحول اجتماعی با تغییر درونی افراد جامعه، به‌طور خلاصه این مطلب را می‌رساند که خداوند چنین حکم کرده و قضایش را حتم نموده که نعمت‌ها و موهبت‌هایی که به انسان می‌دهد، مربوط به حالات نفسانی خود انسان باشد. اگر آن حالات موافق با فطرتش بود، آن نعمت‌ها و موهبت‌ها هم ادامه داشته باشد؛ یعنی تا زمانی که ایمان در دل‌های ایشان دوام داشته باشد برکات الهی هم دوام می‌یابد و هر وقت که ایشان حال خود را تغییر دادند، خداوند هم وضع رفتار خود را عوض کرده و نعمت را به نعمت مبدل سازد (طباطبایی، ۱۹۹۶، ج ۱۱: ۳۱۰). بدین‌سان پیش و بیش از هر تحول و تغییر مثبت و سازنده‌ای از جمله پیشرفت و تعالی فردی و اجتماعی در همه حوزه‌های انسانی (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ...) باید، فرد انسانی تغییر یابد و این ظرفیت تغییر و تحول را در خود ایجاد و تقویت نماید زیرا تغییر اجتماع متوقف بر تغییر افراد آن است پس جامعه صالح جامعه‌ای است که افراد آن صالح باشند و جامعه فاسق نیز بر همین قیاس از افراد فاسد تشکیل می‌شود (مقدم، ۲۰۰۵: ۲۰-۱۹).

در روایات منسوب به ائمه اطهار(ع) نیز این تحول‌خواهی به‌عنوان یک روحیه و فرهنگ مطلوب دینی کاملاً خودنمایی می‌کند به‌گونه‌ای که رکود، سکون، عدم تحول و عدم تغییرپذیری در فاصله دو روز هم به‌عنوان خسارتی غیرقابل جبران و موجب هلاکت انسان‌ها مورد ارزیابی و تصریح قرار گرفته است. امام صادق(ع) در بیان ضرورت و اهمیت تحول‌طلبی و تحول‌خواهی می‌فرماید: هر که دو روزش یکنواخت باشد مغبون است و هر که فردایش بدتر از امروزش باشد فریب‌خورده است و هر که کاستی‌های خود را جستجو نکند پیوسته در کاستی ماند و هر که کاستی‌اش بیاید مرگ برایش بهتر است (همان).

فرهنگ وظیفه‌شناسی (وجدان کاری)

یکی از جلوه‌های روایت ترقی‌خواهانه ژاپنی‌ها از آیین کنفوسیوس چین، تأکید آنها بر «وظیفه‌شناسی» یا «وجدان کاری» به‌عنوان یک امر مقدس فردی و اجتماعی - سیاسی بوده است. به دیگر سخن آیین کنفوسیوس ژاپنی توجه ژاپنی‌ها را به سمت‌وسوی جنبه‌های عمل‌گرایانه زندگی انسان همچون سیاست، اقتصاد و قانون به‌صورت منظم و با پشتکار بالا سوق داده است (شمسی‌آوری، ۱۹۷۱: ۴۱۴). ممارست،

انضباط فردی و خودسازی و سلوک فردی مهم‌ترین آموزه‌های فکری - مذهبی سازنده‌ای است که ژاپنی‌ها آنها را از آیین‌های وارداتی یعنی کنفوسیوس و بودائیسیم فراگرفته‌اند. اصول اخلاق علمی، وجدان کاری، خیر و رفاه انسان‌ها، مبانی اخلاقی خانواده، کوشش و جهد فردی و خودسازی مؤلفه‌های تأثیرگذار مستقیم و غیرمستقیم بر روند توسعه صنعتی و پیشرفت اقتصادی در ژاپن بوده است. در واقع، سخت‌کوشی و انضباط فردی - اجتماعی از مشخصه‌های فرهنگی ژاپنی‌هاست. آنها به‌منظور بهبود نتیجه کار خود در فراگیری شیوه‌ها و فن‌های نوین تولید بسیار کنجکاوند. ... به‌طور خلاصه، وظیفه‌شناسی یکی از زمینه‌های فرهنگی جدی تأثیرگذار بر پیشرفت اقتصادی - صنعتی ژاپنی‌ها بوده است؛ چراکه در فرهنگ ژاپنی برخی ارزش‌های جمعی و دست‌یابی به اهداف جمعی در همین مفهوم وظیفه‌شناسی نهفته است که به‌نوبه خود تأثیر بسزایی در رشد و توسعه اقتصادی ژاپن داشته است (همان: ۴۱۵).

مبنای اصلی فرهنگی وظیفه‌شناسی یا به تعبیری انضباط و پشتکار فردی - اجتماعی ژاپنی‌ها، احساس «وجدان کاری» و اجتماعی است... از طرفی، وجود تربیت اخلاقی به‌صورت آموزش اجباری در نظام تربیتی ژاپن یکی دیگر از ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن به‌شمار می‌رود. تربیت اخلاقی یا تربیت منش و بینش (شخصیت) و آموزش خود انضباطی از کلاس اول شروع می‌شود و تا آخر مقطع متوسطه استمرار می‌یابد (سجادی، ۱۹۹۷: ۲۹۸-۲۹۴).

در بطن و متن مبانی فرهنگی - دینی اسلامی نیز دلالت‌های همپوشان با احساس وظیفه‌شناسی و وجدان کاری به‌صورت بسیار محکمی وجود دارد. در واقع، روحیه وظیفه‌شناسی و پشتکار را می‌توان در درون‌مایه‌های فرهنگی - دینی اسلامی رصد و پیگیری کرد چنان‌که پیامبر اکرم (ص) در این خصوص در حدیث مشهوری می‌فرماید: «رحم الله امرء عمل عملاً فأتقنه»: رحمت خدا بر انسانی که کاری را انجام دهد و آن را نیکو و محکم و متقن و صحیح انجام دهد (عزیزی، ۱۹۸۹: ۹۳)؛ بر این اساس، شاید بتوان معادل اسلامی وظیفه‌شناسی و پشتکار در فرهنگ و روحیه ژاپنی را در اصطلاح و فرهنگ «سربار نبودن دیگران» رصد و پیگیری نمود. در فرهنگ آرمانی اسلام هیچ‌کس نباید بار زندگی و معاش خود را بر دیگری بیندازد. بنابراین در جامعه اسلامی همه باید مسئولیت اقتصادی خود را در هرکجا که هستند عهده‌دار شوند و نباید در انتظار کمک دیگری باشد. گرچه از راه تکافل عمومی و ضمان اعاله افراد جامعه و دولت‌مردان در برابر نیازمندی که نیازشان از راه عادی تأمین نشد، مسئولیتی روشن دارند.

با حاکمیت چنین فرهنگی هیچ انسان بی‌کاری که زمینه کار برای وی فراهم باشد، نمی‌تواند از کار شانه خالی کند و منتظر استخدام نیز نخواهد ماند، بلکه می‌کوشد تا خود به‌صورت خلاق درصدد دست‌یابی به شغلی برآمده و توان خود را مصروف آن سازد. این فرهنگ به شکوفایی مهارت، خلاقیت و ابتکار انسان‌ها خواهد انجامید و می‌تواند به چرخه‌ای توسعه اقتصادی شتاب بخشد.

اعتماد به صداقت رهبران و حاکمان

یکی از دلایل اصلی احساس وفاداری ژاپنی‌ها نسبت سرزمین خود و احساس تعهد آنها نسبت به لزوم پیشرفت و توسعه اقتصادی و صنعتی کشورشان، مقدس انگاری سنتی و فرهنگی سرزمین و امپراتوری ژاپن است. احساس تعلق مزبور به وطن و میهن پرستی در یکی از اصول مهم کنفوسیوسی یعنی وفاداری^۱ ریشه دارد. از این منظر، تمام ملت به‌عنوان یک خانواده بزرگ فرض می‌شود که امپراتور در رأس این خانواده قرار می‌گیرد و توده مردم مطابق با شئون، موقعیت و یا سن خود باید متعهد به انجام این اصول باشند (متوسلی، ۲۰۰۷: ۱۲).

از طرف دیگر، طبق آیین کنفوسیوسی حکومت پایه نظم اجتماعی و نظم پایه ثبات سیاسی و صلح جهانی است و سیاست نیز «اصلاح‌گری» به‌شمار می‌رود. این نگرش در فرهنگ سیاسی مردم شرق آسیا نفوذ همه‌جانبه‌ای دارد. بر این اساس شه‌ریار بر پایه فضیلت و اعتماد مردم حکومت می‌کند. ... بدین ترتیب، بنا به اندیشه‌های کنفوسیوسی، یکی از کارهای حکومت آموزش دادن مردم و ارشاد آنها برای رسیدن به رستگاری بر پایه آیین‌هاست. بدین منظور، شه‌ریاران اصلاحات را باید از رفتار خود شروع کنند تا برای مردم الگو باشند. در نظر کنفوسیوس همه‌چیز به سیاست (اصلاح‌گری) برمی‌گردد. در واقع، کنفوسیوسیم به لوازم اصلاح دولتی اعتقاد دارد چرا که دولت نهادی است که استانداردها را برای هدایت کنش‌های مردم می‌سازد و با این کار در جهت منافع ملی گام برمی‌دارد؛ بنابراین، زمانی که دولت وظیفه خود را به‌درستی انجام دهد، حمایت مردم را به دست می‌آورد ... در فرهنگ کنفوسیوسی بر عنصر اعتماد مردم به حکومت. تأکید فراوانی می‌شود. طبق نظر «هسو»، نخست باید اعتماد و هم‌حسی دوطرفه میان حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان وجود داشته باشد، دوم، دولت باید میان شعارها و کنش‌ها سازگاری ایجاد کند، سوم، دولت باید به‌صورت مناسب و مطابق با واقعیت‌های موجود عمل نماید، چهارم، دولت باید دانش مناسب را داشته باشد و به عقاید مذهبی احترام بگذارد و در نهایت به بنیادهای تمدن علاقه‌مند باشد و تمامی مردم زیر قدرت وی قرار داشته باشند. حکومتی که اعتماد مردم را از دست بدهد همه‌چیز را از دست داده است. برای حفظ اعتماد باید شرایط رفاه مردم را فراهم کرد. جامعه عبارت از جماعتی از مردم است که بر اساس تکلیف متقابل و مناسبات انسانی باهم پیوند خورده‌اند و جوهر انسانی فقط در میان جماعت به فعلیت می‌رسد؛ بنابراین حکومت در عین حال یک نهاد تربیتی است. نهادی است که در آن فرمانروایان فرزانه، اخلاق درست را به مردم یاد می‌دهند. چنین نگرشی نیز با عقیده حکومت حداقلی که در لیبرالیسم تبلیغ می‌شود، فاصله زیادی دارد. در مجموع می‌توان گفت در جامعه مبتنی بر آداب و رسوم سلسله‌مراتبی کنفوسیوسی، درست مانند یک خانواده، بر روی همکاری میان کلیه اعضاء و اعتماد متقابل و دوجانبه و چندجانبه میان آنها تأکید می‌گردد. بدین‌سان اصول اخلاقی جدید کنفوسیوسی باعث می‌گردد اقتصاد و جامعه با مشکلات کم‌تری به کار خود ادامه دهند.

با بهره‌گیری از دلالت فوق می‌توان ادعا کرد که در فرهنگ اسلامی نیز به راست‌گویی، امانت‌داری و وفای به عهد سفارش ویژه‌ای شده است. مطابق آموزه‌های اسلامی، راست‌اندیشی و راست‌گویی از بالاترین صفت‌های انسانی است و افراد راستگو هم‌تراز پیامبران دانسته شده‌اند (سوره نساء، آیه ۶۹)؛ چراکه راست‌اندیشی و صداقت یکی از ویژگی‌های پیامبران است (سوره مریم، آیه ۵) و در روایت‌ها تصریح شده است که خداوند متعال، پیامبران را فقط به علت صداقت و امانت‌داری برگزیده است.

مروری بر نصوص اسلامی روشن می‌کند که مفهوم‌های پیش‌گفته از جمله ویژگی‌های اخلاقی است که در اسلام بسیار بر آن تأکید شده است و رضایت پروردگار و پاداشی عظیم را در پی خواهد داشت (سوره مائده، آیه ۱۱۹)؛ به نظر ما رسیدن نهادینه شدن صداقت امانت‌داری و وفای به عهد در جامعه اسلامی که در اسلام بسیار بر آنها تأکید شده است و از نشانه اهل تقوا و دین‌داران واقعی برشمرده است، اسباب خلق اعتماد در سطح‌های گوناگون آن را در جامعه فراهم آورده، باعث کاهش هزینه و سهولت تعامل‌های اجتماعی خواهد شد؛ زیرا اعتماد مردم به مسئولان از سویی و اعتماد به افراد جامعه از سویی دیگر، خود از راست‌گویی، درستکاری و پایبندی به تعهدها از سوی همگان ناشی است و در کشورهایی که دروغ‌پردازی، خلف وعده، خیانت در امانت و مانند آن نهادینه شده است، دیگر سراغی از سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن نباید گرفت (نظرپور و منتظری، ۲۰۰۸: ۵۱-۵۰) تحقق ارزش‌های پیش‌گفته ... میان افراد جامعه و دولت‌مردان می‌تواند فضای اعتمادی مطلوبی را در جامعه پدید آورد. در این صورت چهره‌ای مورد اعتماد از دولت‌مردان برای مردم ترسیم خواهد شد. از طرف دیگر اعتماد دولت به مردم نیز سبب خواهد شد دولت التزام عملی مردم به قوانین و مقررات را مفروض دانسته و به گزارش‌های مردم مانند گزارش‌های درآمدی و هزینه‌ای برای دریافت مالیات و به‌طور کامل اعتماد کرده و بر آن اساس، برنامه‌های درآمدی و هزینه‌ای خود را که بخشی از آن از راه مالیات‌ستانی تأمین می‌شود، به‌صورتی مناسب تنظیم کند. در چنین جامعه‌ای مفروض آن است که همه انسان‌ها راستگو و صادق هستند و به وعده‌های خود در روابط اجتماعی و اقتصادی عمل خواهند کرد و در چنین جامعه‌ای است که قواعد فقهی مورد پذیرش همه فقیهان؛ مانند «اصالت الصحه، قاعده ید و قاعده سوق المسلمین» را می‌توان بی‌دغدغه پیاده کرد (همان: ۵۳-۶۱).

فرهنگ و الگوی مصرف مبتنی بر قناعت (پرهیز از اسراف و تبذیر) در ژاپن

در نقطه مقابل تولید بالنده و حداکثری در ژاپن، الگوی مصرف مقتصدانه این کشور قرار می‌گیرد. الگوی مصرف ژاپنی‌ها بر اساس برداشت ژاپنی‌ها از تعالیم بودا، مبتنی بر قناعت و اعتدال در مصرف استوار شده است و از این‌روست که درآمد مازاد دوباره به چرخه تولید و کار دوباره بازمی‌گردد (حقیقی، ۲۰۰۵: ۳۲۹). و از طرف دیگر، قطع مصارف لوکس و غیرضروری، وظیفه دینی دانسته و معرفی می‌شود. از این‌روست که اصل و نفس کار کردن بسیار مهم‌تر از این است که چه نوع کاری انجام می‌شود. نهادینه شدن فرهنگ حکومت توکوگاواپی مبتنی بر حفظ چنین ارزش‌هایی به ایجاد و تقویت وجدان کار (انجام کار با پشتکار همراه بانضباط فردی - اجتماعی) منتهی گردید و بستر توسعه سریع ژاپن را فراهم نمود. به این ترتیب، در

کنار رفتار تولید سازنده و حفظ وجدان کاری، الگو و فرهنگ مصرفی صرفه‌جویانه و پس‌انداز بالا، توانسته زمینه دستیابی ژاپنی‌ها به فناوری‌های نوین را فراهم سازد (همان: ۳۳۱).

دلالت‌های فرهنگی ژاپن در خصوص قناعت و لزوم پرهیز در مسیر و مورد تأیید آموزه‌های قرآنی و روایی نیز هست و این یک دلالت بینامتنی میان متون اسلامی و متون نوشته و نانوخته فرهنگی - مذهبی در فرهنگ ژاپن نیز به‌شمار می‌رود. از این حیث، به این دلالت‌های بینامتنی تمرکز می‌کنیم:

امام علی (ع) قناعت را به‌منزله گنجی باارزش، گوهری پرسود، دری گران‌قدر و خصلت و فضیلتی پر بها معرفی نموده و می‌فرماید: هیچ گنجی بی‌نیاز کننده‌تر (توان‌بخش‌تر) از قناعت کردن در زندگی نیست (نهج‌البلاغه، کلمات قصار حکمت ۲۲۹)؛ در واقع، نکته بسیار مهمی که در این فرمایش باید مورد توجه و تأمل قرار گیرد، این است که قناعت گنجی بزرگ، با ارزش و نعمتی گران‌قدر است... بنابراین انسان که «گنج قناعت» را در دست دارد از ثروتمندترین و سرمایه‌دارترین و بی‌نیازمندترین و خوشبخت‌ترین افراد است.

در نقطه مقابل فرهنگ مولد قناعت در فرآیند پیشرفت، فرهنگ مخرب و غیرسازنده اسراف و تبذیر وجود دارد که در آموزه‌ها و فرهنگ دینی - اسلامی قویاً مذموم و مطرود است. البته مفهوم مشابه اسراف در فرهنگ اسلامی که در تقابل با آن در دلالت‌های فرهنگ مولد ژاپنی‌ها نیز قابل انتزاع و رؤیت است، مفهوم «تبذیر» است. طبرسی (ره) در این باره می‌گوید: «تبذیر پراکندن مال از روی اسراف است» (طبرسی، ۱۹۹۳: ۶۳۳).

تقیح اسراف گاه برخاسته از فرهنگ و آموزه‌های قرآنی است چنان‌که آیات مختلف قرآن در مقابل فرهنگ و روحیه بی‌جا و ناروا مصرف کردن که در حکم تلف کردن نعمت‌های الهی و محروم کردن جامعه است موضع‌گیری قاطع و صریحی می‌نماید. از این رو قرآن کریم در این خصوص به موارد مختلف آن اشاره می‌فرماید: خداوند مسرفین را دوست نمی‌دارد (سوره الأعراف، آیه ۳۱) مسرفان قابل هدایت نبوده و بسیار دروغ‌گویند (سوره غافر، آیه ۳۸) فرمایش امام علی (ع) در این خصوص قابل تأمل است که فرمودند: «الإسراف یفنی الجزیل»: اسراف ثروت زیاد را هم به فنا می‌دهد (تمیمی آمدی، ۱۹۸۷: ۳۵۹). این در حالی است که در نقطه مقابل فرهنگ مقتصد اندیشانه اسلامی، یکی از مندرجات فرهنگی بازدارنده توسعه اقتصادی ... نفوذ و رسوخ لایه‌هایی عمیق از «مصرف‌گرایی» در میان ایرانیان است. سخن این مقاله این است که فرهنگ قوی مصرف و مصرف‌زدگی از یک‌طرف و فرهنگ ضعیف تولید و خصوصاً «پس‌انداز» از طرف دیگر، یک عامل بازدارنده و مانع جدی در راه طراحی و اجرای الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت و توسعه است ... در این راستا، یکی از گزاره‌های مطرح آن است که برخلاف اخلاق و فرهنگ دینی - اسلامی مبتنی بر پس‌انداز و تجمیع ثروت، اخلاق ایرانی مملو و مشحون از عناصری از قبیل روحیه مصرف‌گرایی، تأکید بر تجمل‌گرایی صرف، سودجویی آنی و فرهنگ ثروت‌اندوزی برای مصرف و نه برای تولید و پس‌انداز است (آزاد ارمکی و دیگران، ۲۰۱۲: ۲۷). مؤلفه مصرف غیرمنطقی در فرهنگ ایرانیان به مرور زمان به خصیصه «تجمل‌گرایی» نیز ختم شده است. در فرهنگ عمومی ایرانیان، باور به جمع‌آوری ثروت با هدف

مصرف بهتر، به قدری جریان و نفوذ دارد که آنان از هر فرصتی برای بهره بردن از اموال و امور مادی از جمله گرفتن وام یا قرض برای مصرف بیشتر استفاده می‌کنند. به تعبیر «گوبینو»: «ایرانیان به قدری در فکر وام هستند که وقتی یک گوشواره و یا دست‌بند و یا قالیچه خریداری می‌کنند قبل از همه چیز فکر می‌کنند که آیا در مورد لزوم می‌توان آن شیء را گذاشت و یا فروخت و به زبان ساده به پول تبدیل کرد» (گوبینو، ۲۰۰۶: ۳۸).

اولویت گروه (کار جمعی) بر فرد (کار فردی)

یکی از عناصر نظام ارزشی برجسته در فرهنگ اجتماعی ژاپنی‌ها که بر توسعه اقتصادی موفقیت‌آمیز آنها تأثیرگذار بوده است، اولویت اجماع بر فرد؛ گروه بر فرد؛ و کار جمعی بر کار فردی است. سرآغاز شکل‌گیری چنین باور و فرهنگی، نظام آموزشی دوران کودکی است که کودکان ژاپن را بر اساس اولویت داشتن گروه بر فرد پرورش می‌داد. بر اساس فرهنگ توکوگاوی، ارزش‌هایی از قبیل احترام و پرستش والدین و وفاداری از دوران کودکی به وجود آمده و تقویت می‌شود. به این ترتیب، نظام ارزشی مردم و کارکنان دولت، در چارچوب توجه به اهداف جمعی شکل گرفته و تمام کوشش‌های فردی در جهت منافع گروهی ارزیابی و ارزش‌گذاری می‌شد (حقیقی، ۲۰۰۵: ۳۳۱).

بدین‌سان می‌توان مدعی شد که ژاپنی‌ها از حیث تربیتی به‌عنوان شهروندان گروه‌محور هویت اجتماعی می‌یابند. فرآیند ایجاد فضای همکاری یا نماواشی^۱ متضمن حصول توافقات اصلی پیش از آغاز هر گونه فعالیت اجتماعی و گروهی... و تلاش برای اجتناب از هرگونه تعارض و درگیری در کنش‌های جمعی و تعظیم هر یک از اعضای گروه، در برابر دیگر اعضا است. این حس همبستگی و وفاق و نوع دوستی گروهی - ملی، به نوبه خود، برخاسته از این باور سنتی است که افراد باید خاکسار و فروتن باشند. فخرفروشی برخاسته از فرهنگ غربی، رفتاری بچگانه و شرم‌آور تلقی می‌شود؛ بنابراین لازم است که هر یک از اعضای گروه، در برابر دیگر اعضا تعظیم کنند (غلامی، ۲۰۱۱: ۱) به‌طور کلی، در فرهنگ ژاپنی، ... راهبردهای کارگروهی به نوبه خود می‌تواند زمینه تقویت احساس شأن و ارزش اجتماعی را در میان شهروندان فعال جامعه فراهم کرده، از این رهگذر، مسیر ظهور و بروز خلاقیت‌های فردی و شغلی را در آنها... هموار سازد. بدین‌سان مدیران ژاپنی قادر خواهند بود با ایجاد احساس تعلق در میان کارگران و کارمندان خودروی موفقیت اقتصادی و رضایتمندی شغلی شخص اثر مثبت داشته باشند (سجادی، ۱۹۹۷: ۲۹۷) خداوند در قرآن کریم و مجموعه معارف اسلامی و دینی بر تلاش‌های جمعی و دست در دست هم قرار دادن برای نتیجه بهتر بسیار توصیه فرموده و جماعت را در موارد فراوانی اعم از کارهای اقتصادی و معنوی و علمی مورد تأکید قرار داده است که در ذیل به برخی عناوین آن اشاره می‌کنیم:

همکاری گروهی برای اصلاح جامعه: طراحی الگوی پیشرفت اسلامی و عمل به آن به دلیل ماهیت الهی آن که توأمان سعادت دنیوی و اخروی افراد جامعه را دنبال می‌کند، می‌تواند به‌عنوان یکی از مصادیق جدی

و بارز در جهت حرکت به سمت‌وسوی «خیر جمعی» و به زبان دینی، «اصلاح جامعه» قلمداد گردد. بر این اساس اصلی‌ترین ابزار چنین حرکت و جهت‌گیری را باید عرصه امر به معروف و نهی از منکر ارزیابی کرد که ذاتاً امری جمعی و اجتماعی دانسته می‌شود. چراکه در این عرصه کارهای فردی کم‌تر می‌تواند پاسخگو باشد، بلکه چنانچه گروهی باشند و باهم یک‌دست شده و با برنامه منسجم و متحد به صورت هماهنگ به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند و با تداوم در این امر تلاش خود را ادامه دهند، به‌طور قطع و یقین تأثیرگذاری بیشتری خواهد داشت. در این راستا، قرآن کریم گروه امر به معروف و نهی از منکر را به‌عنوان یک امت یعنی گروهی منسجم با برخورداری از یک رهبری آگاه و با در دست داشتن قانون خوب، معرفی می‌کند.

همکاری جمعی باهدف ایجاد اتحاد و انسجام: اگر بپذیریم یکی از راه‌های نیل به جهش در طی مراحل پیشرفت و توسعه که در کشورهایمانند ژاپن... نیز اثرات آن را مشاهده کرده‌ایم، «اجماع نخبگان» فکری و اجرایی بر سر مفهوم و مصادیق پیشرفت و توسعه برای جامعه است، تأکید آموزه‌های دینی اسلام بر همکاری جمعی با هدف ایجاد اتحاد، انسجام و هم‌دلی میان ابناء بشری چه در داخل حریم یک جامعه و چه در سطح بین‌المللی و جهانی آن می‌تواند، یک فرهنگ محرک پیشرو برای طی سریع مراحل رشد و پیشرفت مادی و معنوی قلمداد گردد. اتحاد و انسجام در میان ملت و یا ملتها یک امر عقلانی و مورد توجه همه عاقلان جهان است که اسلام نیز بر آن تأکید ورزیده و توصیه‌های فراوانی را فرموده است... اما این امر در صورتی تحقق می‌یابد که همه ملتها و گروه‌ها بخواهند و اراده جمعی نسبت به آن ایجاد شود و قرآن کریم نیز به همین موضع تصریح می‌کند و همگان را به این امر دعوت می‌کند.

همکاری‌های جمعی و گروهی در عرصه‌های سرمایه‌گذاری و مسائل اقتصادی و تولیدی: از آن جهت که اسلام به همه نیازهای بشر توجه نموده، به بخش اقتصاد و سرمایه نیز عنایت خاصی داشته از این رو به قوانین و ضوابطی در باب اقتصاد و تجارت و سایر مشاغل تولیدی و خدماتی اشاره نموده که موجب تشکیل هسته‌های سرمایه‌گذاری و تأسیس تشکلهای گروهی و جمعی در موضوع اقتصاد و تولید و کشاورزی بشود. در این راستا رجوع به ابواب مختلف فقه معاملات، در قالب واژگانی مانند مشارکت، مضاربه، مزارعه، معاملات مشاعی و تعداد زیادی از عناوین دیگر در فقه و احکام شرعی به‌ویژه در ابواب اقتصادی فقه طرح و بسط داده می‌شود گویای اهمیت کارهای مشارکتی و گروهی در جذب سرمایه‌ها و همچنین نیروی انسانی است که می‌تواند مشوق خوبی برای جامعه امروزی در ترویج فرهنگ کار جمعی و حرکت به سمت و سوی پیشرفت و توسعه به‌صورت جمعی باشد.

پایه‌های اساسی کار گروهی در اسلام: مبانی فرهنگی و دینی کار گروهی به‌عنوان یکی از عناصر پیش‌نیاز در طراحی و اجرای الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت، در برخی آموزه‌های عمیق و اصیل دینی ریشه دارد. اولین پایه‌ای که کار گروهی را مقاوم می‌کند و مایه رشد و توسعه آن خواهد شد، توجه به همکاری (تعاون) و تقسیم کار است و دومین رکن عبارت از هماهنگی و نظم و انضباط در کار به‌شمار می‌آید و پایه سوم آن هم‌فکری و مشورت است.

مع الوصف و برخلاف آموزه‌های اسلام و نیز برخلاف دلالت‌های مؤثر فرهنگی فرهنگ ژاپنی، یکی از موانع فرهنگی حرکت... مثبت به سمت... پیشرفت و توسعه اقتصادی و حتی طراحی الگوی آن در ایران، فردمحوری، به جای گروه‌محوری است. تسلط عناصری ناخوشایند از فرهنگ تفرّد، تک‌روی، اجماع‌گریزی و گروه‌گریزی بر فرهنگ مثبت جمع‌گرایی و کنش دسته‌جمعی سازنده، یکی از علل عدم توفیق یا دست‌کم کندی قرار گرفتن در مسیر توسعه اقتصادی در مقایسه با فرهنگ و آموزه‌های اجتماعی ژاپنی است... به طور خلاصه، در تحلیل چرایی سطح پایین کارگروهی و جمعی در سطح کشور، غالباً زمینه فرهنگی و مشخصاً فرهنگ ملی تفرّد (فردگرایی و خودمحوری) به جای جمع‌گرایی و اجماع، از اصلی‌ترین علل این پدیده دانسته شده است (سریع‌القلم، ۱۹۹۷: ۱۲۴). در چنین متن و بطنی است که اصولاً می‌بایست کار جمعی در فرهنگ و جامعه ایرانی، پدیده‌ای کمیاب و نادر به‌شمار آورد که البته به تعبیر برخی نویسندگان، یکی از ریشه‌های تاریخی این مشکل حاکمیت تاریخی نظام شاهنشاهی و ساختار استبدادی در دوران ایران معاصر است که موجبات رشد و گسترش «فرهنگ فردی» را به جای «فرهنگ جمعی» فراهم آورده است (سریع‌القلم، ۲۰۰۷: ۱۲).

نتیجه‌گیری

دلالت‌های فرهنگی - شبه‌مذهبی پیشرفت در ژاپن و برخی دیگر از کشورهای آسیای جنوب‌شرقی حاکی از تأثیرگذاری غیرقابل انکار فرهنگ و مذهب به‌عنوان شالوده و پی اصلی طراحی ساختمان توسعه و ترقی در این کشورها است. بر اساس چنین رویکردی است که موتور محرکه اصلی توسعه و ترقی در یک جامعه، روح و فرهنگ حاکم بر الگوی متناسب با پیشرفت در آن جامعه قلمداد می‌گردد؛ و این عوامل سبب شده که الگوی توسعه و رسیدن به الگوی توسعه مورد نظر انقلاب به‌کندی پیش برود و در واقع در مرحله تشکیل دولت اسلامی با مشکل مواجه شده است.

از این‌رو علت رشد و توسعه شتابان ژاپن بر اساس دلالت‌های فرهنگی‌ای است که بعضاً در متن و بطن آموزه‌های فرهنگی دین اسلام نهفته و مکتوم مانده است و آنان به‌واسطه اجرای آگاهانه یا غیرآگاهانه این مضامین، توانسته‌اند مسیر طولانی سه سده‌ای توسعه در اروپا را طی مدت بسیار کوتاه‌تری طی کنند. بر این اساس به نظر می‌رسد که کاربست مضامین بسیاری از فرهنگ‌های واقعی اسلامی که برخی دلالت‌های آن در فرهنگ ژاپنی نیز قابل احصاء است، نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل صرف‌نظر است. در واقع می‌بایست در طراحی و اجرای الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت به تناسب الگوی مزبور با فرهنگ آرمانی تمرکز و توجه ویژه نمود.

بر اساس چنین ملاکی می‌توان مدعی شد که علت‌العلل فقدان الگو یا نقشه عملیاتی برای پیشرفت و توسعه به سبک و سیاق اسلامی - ایرانی به‌رغم برخورداری از جامعه اسلامی ایران از فرهنگ والای مبتنی بر متون اولیه اسلامی (اعم از آیه‌ها و روایت‌ها و سیره امامان معصوم؛ و بعضاً سابقه کهن تمدنی)، این است که فرهنگ آرمانی آنان به فرهنگ واقعی که در صحنه واقعی اجتماع ظهور و بروز داشته باشد تبدیل

نشده است. نخبگان فکری و اجرایی مؤثر کشور همچنان در محیط خصوصی و عمومی و با فرهنگی زندگی می‌کنند که ضرورتاً ارتباطی با فرهنگ آرمانی موردنظر اسلام ندارد. از این‌رو تکیه و برجسته‌سازی داشته‌های فرهنگ آرمانی در منابع اصلی اسلامی و ایرانی به‌عنوان محرک اصلی توسعه و البته قابل مقایسه با برخی داشته‌ها و دلالت‌های فرهنگی کشورهایی که الگوی توسعه را به‌صورت درون‌زاد و خودجوش طراحی و اجرا کرده‌اند (نظیر ژاپن)، همواره می‌تواند به‌عنوان نقطه امیدوی روشن و کورسویی ترسیم شود تا با احیای فرهنگ آرمانی اسلامی خود و رجعت به آن، در نیل به زندگی مطلوب و شایسته در چارچوب طراحی الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت و تعالی امیدوار بود.

پیشنهادها

در این راستا برخی از پیشنهادها ذیل، مستقلاً مطرح می‌شود:

- لزوم باز روایت‌گری متون اسلامی شامل آیات و روایات، سیره ائمه معصومین و متون کهن ایرانی با هدف برجسته‌سازی مبانی حقوقی دینی و ملی پشتیبان پیشرفت مادی و معنوی در جوامع بشری.
- بهره‌برداری مثبت و سازنده از ظرفیت همه حامل‌های فرهنگ‌ساز مانند رسانه‌های جمعی به‌منظور حفظ ایجاد و تقویت انگیزه پیشرفت و تعالی کشور به‌عنوان یک فرهنگ عمومی بایسته در میان آحاد مردم نخبگان و کارگزاران تولیدات علمی، تجاری و اقتصادی.
- لزوم اصلاح رویکرد منفی در فرهنگ عمومی رایج در جامعه در خصوص قبح کسب ثروت از یک طرف و تلاش برای فعال‌سازی هرچه بیشتر مکانیسم‌های چرخشی سرمایه و سود در جامعه از قبیل خمس و زکات و ... از طرف دیگر.
- تلاش برای ارائه تفسیر و روایتی جدید از کار و فرهنگ کار در تبیین و ترویج روحیه جهادی به‌عنوان ارزش مقدس توسط علما و روحانیت و نهایتاً تلاش برای بهره‌گیری مناسب و متناسب از ظرفیت و پتانسیل مرجعیت شیعه.
- لزوم بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های رسانه‌ای کشور به‌منظور هنجارسازی مناسب در خصوص ارزش و ضد ارزش در مقوله کار و تولید.
- تدوین برنامه جامع آموزشی در متون درسی در تمامی مقاطع با هدف نهادینه‌سازی فرهنگ‌های مولد از قبیل قداست کار، امتیازهای جمعی، تقبیح جنبه‌های نامشروع کم‌کاری رخوت و سستی و ...
- لزوم تغییر برخی از قوانین در خصوص معیارها و شاخص‌های رشد در محیط‌های دولتی و خصوصی به نفع کار جمعی و به ضرر کار فردی. به‌عنوان مثال تغییر قوانین ارتقا علمی اساتید و اعضای هیئت‌علمی اساتید و اعضای هیئت‌علمی در خصوص طراحی و تدوین مقالات کتب و طرح‌های پژوهشی مشترک و همچنین لزوم امتیازدهی مضاعف به طرح‌ها و مقالات مرتبط با بازار کار، صنعت و جامعه به‌منظور تسهیل ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت از یک طرف و تقویت روحیه همبستگی و کار جمعی اساتید با یکدیگر از طرف دیگر.

References

The Holy Quran

- Aridi, Ali Ibn Ja'far (1989), *Issues of Ali Ibn Ja'far (AS) and his evidence*, Qom: Al-Bayt Foundation, peace be upon them, for the revival of heritage. (In Persian)
- Azad Armaki, Taghi and others (2012), "Iranian culture and economic ethics in the constitutional period", *Cultural Studies and Communication (Iranian Association Quarterly)*, Year 8, Issue 29: 11-40. (In Persian)
- Banyanian, Hassan (2007), *Culture and Development: Policy-Making to Strengthen the Culture of Development in Iran*, Tehran: Amirkabir. (In Persian)
- Craib, Yan; Benton, Ted (2010), *Philosophy of Social Sciences-Philosophical Foundations of Social Thought*, translated by Shahnaz Masma Parast and Mahmoud Motahed, Agha Publishing, third edition. (In Persian)
- Dashti, Mohammad (2000), translation of *Nahj al-Balaghah*, Tehran: Ramin Publishing Cultural Institute. (In Persian)
- Eghtedari, Ali Mohammad (1964), *Economic Development of Developing Countries: Economic Development Issues, Economic Development Policy, Fundamentals of Economic Development Planning and Management*, Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Gholami, Kooshan, Donya-e-Eqtasad newspaper, 2/3/2011, No. 2341. (In Persian)
- Gobino, Do (2006), *Three years in Iran*, translated and adapted by Zabihullah Mansouri, Book Gallery, first edition. (In Persian)
- Haghighi, Iman (2005), Japan's economic development and its key factors, *Yas strategy*, first year, fourth issue. 323-350. (In Persian)
- Hakimi Mohammad and Hakimeh Ali. (2005), *Al hayat* Translated by Aram Ahmad. Qom: Negaresh Publications. (In Persian)
- Hur Ameli, Mohammad Ibn Hassan (1967), *vasael Shiite*; Beirut: House for the Revival of Arab Heritage. (In Persian)
- Laber, Robert (1992), *Perspectives on Social Transformation*; Translated by Kavous Seyed Emami, Tehran: University Press. (In Persian)
- Laber, Robert (1993), *Perspectives on Social Transformation*; Translated by Kavous Seyed Emami, Tehran: University Press. (In Persian)
- Landes, David S (1999), *The Wealth and Poverty of Nations: Why Some Are So Rich and Some So Poor*, New York: W. W. Norton & Company.
- Madani, Amir Baqer (June and July 2004), A Study of the Causes of Japan's Development Developments (Part 3), *Business Studies*, No. 6: 43-57. (In Persian)
- Mir Torabi, Saeed (2011), *Development Issues of the Islamic World*, Tehran: Imam Sadeh (AS) University Press. Zaid bin Ali bin Hussein (1966); Musnad except Mam Zaid; Beirut: Publications of the Book of Life. (In Persian)
- Moghaddam, Ahmad Hamed (2005), *Social Traditions in the Holy Quran*, Ch 5, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Mohammadi Riheshahri, Mohammad (2014), *Mizan al-Hikma, Qom, Dar al-Hadith Publishing Organization*, fourteenth edition. (In Persian)
- Momeni, Farshad (2011), *Textbook of Economic Development, Faculty of Social Sciences*, Allameh Tabatabai University. (In Persian)

- Motavaseli, Mahmoud (2007), "The effect of schools of thought on the economic behavior of the Japanese", Journal of Economic Research, No. 41: 18-31. (In Persian)
- Mottaqi Hindi, Ali Ibn Hussam al-Din (1980), *The Treasure of the Workers in the Sunnah of Words and Actions, Researcher*, Bakri Hayani, Safwa al-Saqqa, Beirut, Al-Risalah Foundation, fifth edition. (In Persian)
- Nazarpour, Mohammad Naghi (2010), "The scope of the impact of Islamic culture on economic development", Islamic Economics Quarterly, No. 38: 157-200. (In Persian)
- Nazarpour, Mohammad Naghi and Mostafa Montazeri Moghadam (2008), "Trust-building culture in religious thought and its role in economic development", Journal of Islamic Economics, Seventh Year, No. 31: 37-68. (In Persian)
- Nouri al-Muhaddith (1987), *Mustadrak al-Wasa'il*, vol. 13, Beirut, Al-Bayt, revival of heritage.
- Rajabzadeh, Ahmad (1999), *Sociology of Development: A Comparative-Historical Study of Iran and Japan*, Tehran: Soleiman. (In Persian)
- Saei, Ahmad (2010), *Political-Economic Issues of the Third World*, Tehran: Samat Publications. (In Persian)
- Sajjadi, Seyed Mehdi (1997), "Japan, yesterday's rival, today's claimant", research letter (especially culture and work ethic), second year, No. 5. (In Persian)
- Sari al-Qalam, Mahmoud (1997). *Tribal Foundations of Iranian Political Culture*, Tehran Center for Fundamental Research, Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)
- Sari al-Qalam, Mahmoud (2007), *Rationality and the Future of Iran's Development*, Tehran, Center for Scientific Research and Strategic Studies in the Middle East. (In Persian)
- Sattarifar Mohammad (1987), *Gharr al-Hakam wa Darr al-Kalam*, correction: Mustafa Drayati, Qom, Islamic Propaganda Office, first edition. (In Persian)
- Shamsi Avari, Peri Sima (1973), "A Study of Value System in Japan and Its Relationship with Economic Growth, Philosophical Research", Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tabriz, No. 107: 386-412. (In Persian)
- Soteh Christine (1990), *Giant Teeth (Japan on the way to conquering the world)* Translated by Abbas Agahi, Mashhad: Astan Quds Razavi. (In Persian)
- Starifar, Mohammad (1995), *An Introduction to Capital and Development*, Tehran: Allameh Tabatabai University Press. (In Persian)
- Tabarsi, Fazl Ibn Hassan (1993), *Majma 'al-Bayyan*, Tehran, Naser Khosrow, third edition. (In Persian)
- Tamimi Amadi, Abdul Wahed bin. Sattarifar, Mohammad (1995), *An Introduction to Capital and Development*, Tehran: Allameh Tabatabai University Press. (In Persian)
- Yousefinejad, Ali (Winter 2003), "Culture, development and religion (requirements and necessities)", Scientific Quarterly Scientific Quarterly of Islamic Economics, Third Year, Vol 12: 111-113. (In Persian)